



نظریه تمدنی (طرح الگوی نوین حکمرانی) آیت الله خامنه‌ای با رویکردی انتقادی بر هم‌شکلی سازمانی

احمد جهانی نسب^۱ , مرتضی علویان^{۲*} 

۱. پسادکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2025.2151.1918](https://doi.org/10.22034/qjplk.2025.2151.1918)

چکیده

اقتضائات جهان کنونی و مواجهه با تمدن تجدیدی غرب امری اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌ویژه زمانی که هژمونی الگوساز تمدن غربی برای دیگر جوامع تنها راه توسعه و پیشرفت معرفی می‌شود. یکی از این مصادیق الگوپذیری از غرب و مدل‌های غیر بومی پدیده‌ای است به نام «هم‌شکلی سازمانی» که می‌تواند زمینه را برای ناکارآمدی سازمان‌ها فراهم سازد و مانع توسعه و پیشرفت شود. از این‌رو، اتخاذ الگویی بومی در حکمرانی را ضروری می‌سازد. چنین الگویی را می‌توان در بیانات و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای ردیابی کرد. مقاله حاضر نیز در پی پاسخ به این پرسش است که نحوه مواجهه نظریه تمدن نوین اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای با مسئله تمدن تجدیدی غرب در پیشرفت و کارآمدی نهادها و سازمان‌های کشور- با نگاهی انتقادی به هم‌شکلی سازمانی- چگونه است و الگوهای بدیل آن را با چه ملاحظاتی می‌توان مفهوم‌بندی کرد. بنابراین به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از رهیافت انتقادی و تکیه بر داده‌های پدیدارشناسانه، از جمله پدیدارشناسی تاریخی، در نهایت چنین نتیجه‌گیری شد که رهبری در برابر مظاهر تجدد غربی- از جمله هم‌شکلی و تشابه سازمانی- در پی یافتن الگویی بومی و بدیل بوده که در یک صورت‌بندی مفهومی شامل بیانیه گام دوم، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نظریه نظام انقلابی در اندیشه و عمل سیاسی ایشان است که هر یک به‌ترتیب ناظر به: «راهبردی در جهت تمدن‌سازی»، «بدیل الگوی غربی و غیربومی» و



«روحیه انقلابی در جهت پیشبرد اهداف» می‌شود. این ابتکار مقام معظم رهبری خط‌مشی راهبردی در جهت افق تمدن‌سازی نوین اسلامی و هم‌سو با طرح الگوی نوین حکمرانی قلمداد می‌شود که به لحاظ ماهوی و مبانی معرفتی تفاوت‌های قابل توجهی با الگوهای غربی و ملزومات تجدیدی آن دارد.

کلیدواژگان: تمدن نوین اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، هم‌شکلی سازمانی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نظریه نظام انقلابی.

مقدمه

انسان‌ها در فرآیند زندگی فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون از الگو و سرمشق‌های فکری و عملی پیروی می‌کنند که چه به صورت خودآگاهانه چه ناخودآگاهانه با هدف ایجاد ارتباط با دیگران و تجزیه و تحلیل مسائل و رفع نیازهایشان استفاده می‌شود. این الگوها حاوی سلسله پیش‌فرض‌هایی هستند یا گاهی از سطح فردی عبور می‌کنند و بر گروه‌ها، نهادها، و جوامع مسلط و به باور اجتماعی تبدیل می‌شوند. گاهی نیز بر جوامع و اندیشه عصرها و نسل‌ها تأثیر می‌گذارند (طالبی، ۱۳۷۸: ۳۲۰ - ۳۴۸). بنابراین الگو شامل مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها، خطوط اصلی، و چشم‌اندازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که در عین حال تصویری کلان و جامع و البته قابل دسترس را به نمایش می‌گذارد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۱: ۲۱۹). با این خطر که الگو در عین اینکه موجب هدف‌دار بودن افراد در عرصه‌های فردی یا مدیریتی و سازمانی می‌شود، ممکن است به تقلید و پیروی بی‌چون‌وچرا و جهت‌دهی به اندیشه‌ها در حوزه نظر و عمل بینجامد که در این حالت نه تنها خود موجب توسعه و پیشرفت نمی‌شود بلکه مانعی برای آن محسوب می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که آن الگو، آن هم در عصر مدرنیته، با بسترهای اعتقادی و فرهنگ غالب مردم مطابقت نداشته باشد.

بخش مهمی از دل‌مشغولی آیت‌الله خامنه‌ای جست‌وجوی الگوی بومی بدیل برای الگوهای منبعث از تجدد غربی و تمدن برآمده از آن است؛ تمدنی که داعیه جهانی دارد و می‌خواهد به طُرُق مختلف کشورهای اسلامی را همچون دیگر کشورها زیر سایه یا بهتر است بگوییم زیر سلطه خود درآورد و این کار را در ابعاد گوناگون عرضه می‌کند. یکی از مصادیق الگوپذیری از غرب و فرهنگ بیگانه پدیده‌ای است به نام «هم‌شکلی سازمانی» که می‌تواند زمینه را برای ناکارآمدی نهادها و سازمان‌ها فراهم سازد و مانع توسعه و پیشرفت

در سطوح مختلف شود. همین امر نارضایتی‌هایی را در سطوح درون‌سازمانی و عمومی به همراه می‌آورد. بنابراین آنچه در هم‌شکلی کانون توجه شرکت‌ها و ارگان‌ها قرار می‌گیرد، چنان که در مفهوم آن مستتر است، تقلید و پیروی از سایر الگوهاست که سازمان‌ها را در شکل و ظاهر مدرن اما از درون تهی از عملکرد و کارآیی مطلوب می‌کند. عوارض چنین تقلیدی در درجه نخست عدم مطابقت با فرهنگ و اعتقادات بومی کشور است. طبیعتاً هر بستر خاصی از اعتقادات و باورها الگوهای بومی هماهنگ با آن را می‌طلبد و با هژمون شدن تمدن تجدیدی غرب و لوازم و ملزومات آن این دغدغه به وجود آمده که نکند سازمان‌ها مرعوب الگوهای غیر بومی شوند. از این رو، بحث هم‌شکلی و متعاقب آن تدوین و تشکیل الگویی جایگزین برای آن مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.

اهمیت پرداختن به مسئله پژوهشی حاضر بدین جهت است که تمهیداتی را برای رهایی از بند وابستگی و تقلید، که وجه اصلی هم‌شکلی است، از نهادهای غربی فراهم سازد و سپس به گونه‌ای به دنبال تحقق و عینیت‌بخشی به شکل‌دهی و کارکردهای نهادی جایگزین و طرح الگویی بومی متناسب با مضامین اعتقادی اسلامی و ایرانی برآید؛ با این نگاه که موضوع مدیریت و تصمیم‌گیری‌های سازمانی در سایه تسلط نهادها و ساختارهای غیر متصلب پیشین و الگوهای غیر بومی یا به تعبیری «سونامی استحاله نهادی» (سبحانی، ۱۳۹۳: ۱۷) گرفتار نشود. با رجوع به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان الگوی مطلوبی از طرح حکمرانی در حوزه مدیریتی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی در عرصه عمومی به دست داد. این در حالی است که عینیت‌بخشی به کارکردهای نهادی در قانون اساسی نشان می‌دهد بی‌توجهی و غفلت‌های فراوان در این خصوص صورت گرفته است؛ طوری که نهادها و سازمان‌ها را درگیر پدیده‌ای به نام هم‌شکلی، که غالباً متأثر از تمدن تجدیدی غرب است، ساخته و از درون به لحاظ کارکردی و عملکردی تهی ساخته است. دغدغه نویسندگان مقاله حاضر طراحی و تشریح الگویی جدید و بدیل هم‌شکلی است تا بتواند با نقد الگوهای غیر بومی در قالب مواجهه با تمدن غرب به الگویی بومی از تعالی و پیشرفت نهادی و حکمرانی دست یابد. این امر در عین حال بر نو بودن پژوهش صحنه می‌گذارد. بنابراین نگارندگان با ارجاع به مبانی قانون اساسی و نظریه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای حاوی بیانات، سخنرانی‌ها، و تهیه و تدوین اسناد فرادستی نظام درصدد اثبات این فرضیه برآمده‌اند که تهدیدات هم‌شکلی سازمانی در

تقلید از الگوهای غیر بومی، ضمن توجه به شکل و فرم سازمان‌ها، بر ناکارآمدی آن می‌افزاید که این امر خود مانع پیشرفت و توسعه آن می‌شود. بنابراین در مقابل باید بر بومی‌سازی تجدد برای هم‌ساز کردن منویات آن با فرهنگ خودی تأکید داشت و علاوه بر اینکه باید بر مبانی و اصول بنیادین قانون اساسی توجه کرد ملاحظات آیت‌الله خامنه‌ای را در تهیه و تدوین اسناد فرادستی نظام به عنوان الگوی بومی و اعتقادی بدیل سایر الگوهای غیر بومی قرار داد. ایشان در این زمینه مباحث قابل توجهی دارند که در قالب سخنرانی‌ها و بیانات و تشریح الگوهای پیشرفت آمده است.

بنابراین در این نوشتار، با رجوع به منابع یادشده، تلاش شده است تا هسته محوری دیدگاه ایشان در مورد تمدن تجدیدی غرب و ضرورت پایه‌گذاری یک تمدن جدید به جای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه و سوابق تحقیق را می‌توان با توجه به دو محور در مقاله حاضر یعنی رویکرد تمدنی و مباحث مربوط به نظام اداری و کارآمدی دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده بررسی و ارزیابی کرد. از جمله تحقیقاتی که در حوزه تمدن نوین اسلامی با ظرفیت‌ها و احیاناً موانع ایجاد آن دیده شد می‌توان به «ظرفیت‌های حکمت صدرایی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و موانع ایجاد آن» (احمدی کلیسانی، ۱۴۰۳)، «چهل ستون تمدن: مبانی حکمی و مهدوی تمدن نوین اسلامی» (همایون، ۱۳۹۸)، «تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها» (رجبی، ۱۴۰۰)، «تمدن نوین اسلامی و ولایت فقیه» (خوشدونی و همکاران، ۱۴۰۲)، و یادداشتی کوتاه با عنوان «تمدن‌سازی نوین اسلامی؛ بایدها و نبایدها» (ابوالقاسی، ۱۳۹۴) اشاره داشت. همچنین «فلسفه تمدن نوین اسلامی» (غلامی، ۱۳۹۶) از پژوهش‌های قابل توجه در این زمینه است که نویسنده با شفاف‌سازی مسئله تمدن نوین اسلامی و صورت‌دهی مؤلفه‌های آن باب تأملات نظری را در این عرصه گشوده است. در مقاله «نظریه گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی» (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۷) مراحل پنج‌گانه‌ای از تمدن‌سازی از منظر مقام معظم رهبری احصا و به مؤلفه‌های مادی و معنوی تمدن‌ساز اشاره شده است. در کتاب *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن* (بابایی، ۱۳۹۳) نیز از یک سو به تأملاتی در باب امکان مطالعات دینی در موضوعات تمدن و از سوی دیگر به ضرورت

مطالعات تمدنی در موضوعات دین پرداخته شده است.

در نظام اداری و حکمرانی نیز مواردی قابل ذکر است. در مقاله «شناسایی و دسته‌بندی ابزارهای نرم در نظام حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری» (اکبری و همکاران، ۱۴۰۲) نگارندگان طبق مطالعات به سی ابزار نرم در نظام خط‌مشی‌گذاری رسیدند که در یک دسته‌بندی بر مبنای دو سطح اثرگذاری ابزار و هدف به‌کارگیری از ابزارها آن‌ها را در کنار ابزارهای سختی مانند قانون‌گذاری مناسب دانستند. «رویکرد ماریپیج تکاملی به تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ آسیب‌شناسی رویکردهای موجود و پیشنهاد رویکرد جایگزین» (عالمی‌نسی، ۱۴۰۰) به این مهم پرداخته که برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت رویکرد گام‌به‌گام مناسب نیست و باید از مدل ماریپیج تکاملی بهره گرفت. بنابراین باید به دنبال رویکردی مناسب جهت تحقق بخشیدن به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بود. در مقاله «تقدم اصلاح بوروکراسی و حاکمیت قانون بر دموکراسی» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷الف) کتاب *نظم و زوال سیاسی فوکویاما* نقد و بررسی شده است. هدف از این پژوهش نخست شناخت رویکرد فوکویاما و سپس ارائه راهکارهایی برای نظام اداری در شرایط فعلی ایران است؛ از جمله اینکه بدون اصلاح بوروکراسی و اداره کارآمد عمومی با الگوهای بومی نباید امید چندانی به توسعه داشت. «نظام اداری ایران: تحلیلی بر مشکلات و چالش‌ها» (میرمحمدی و حسن‌پور، ۱۳۹۰) نظام اداری در ایران را نخست به هفت بخش تقسیم کرده و به چالش‌های آن پرداخته است. به عقیده نویسندگان این مقاله بخش عمده این مشکلات در حوزه مدیریت منابع انسانی است. از سوی دیگر، در این مقاله به چالش‌های نظام اداری در ایران شامل عدم حاکمیت حرفه‌گرایی، ناکارآمدی سیستم نظارتی، عدم حاکمیت تفکر بهبود مستمر و روحیه پژوهشگری، و ناکارآمدی ساختارهای سازمانی اشاره شد.

در عین حال، نگارندگان با اذعان به اینکه پژوهش‌های متعددی در خصوص آسیب‌شناسی نظام اداری ایران و ارائه الگویی مطلوب در جهت کارآمد ساختن و فائق آمدن بر این چالش‌ها صورت گرفته است داعیه آن را دارند که ضمن پوشش‌دهی این چالش سازمانی-هم‌شکلی -نسبت آن را در مبنای فکری و بینش سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای جست‌وجو کنند. این تحقیق دقیقاً به همین چشم‌انداز نظر دارد؛ یعنی راهی نو برای تجدد و توسعه و پیشرفت که الگویی بومی و بدیل برای الگوهای غربی باشد و از پذیرش این تفکر غالب که تنها راه‌گذار از سنت

به تجدد همان مسیری است که غرب پیموده است سر باز زند.

۲. ملاحظات روش‌شناختی

اسلوب روش‌شناختی تحقیق حاضر خود را وفادار به رهیافت انتقادی با تکیه بر پدیدارشناسی تاریخی می‌داند. چون یک جریان فکری در دوره‌ای از رویارویی الگوسازی در بستر مواجهه مسلمانان با تمدن تجدیدی غرب را به طور خاص در جهان اسلام و به طور کلی‌تر در جهان سوم مورد بررسی قرار می‌دهد. جهت‌گیری اصلی مقاله جست‌وجوی پشتوانه فکری و نظری و کنش‌های سیاسی-اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای به وجهی است که با سنجی از تفکر و منطق تاریخی خاص خود پیوند می‌یابد. فرآیند جهانی شدن و ظهور و اوج‌گیری طیفی از تفکر به نام «هویت‌خواهی» از جمله جریان‌های فکری در اسلام است که رهبری معظم انقلاب با آن پیوند دارد. جنبش هویت‌جویی به عنوان یکی از پدیده‌های مهم جهان توسط مانوئل کاستلز در کتاب قدرت هویت (کاستلز، ۱۳۸۰) و رونالد رابرتسون با کتاب جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی (رابرتسون، ۱۳۹۳) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

از سوی دیگر، نظریه انتقادی که از مکتب فرانکفورت نشئت می‌گیرد و در کارهای هابرماس و دیگر معاصران ادامه و تکامل می‌یابد معتقد است که همواره به واقعیت اجتماعی از چشم‌انداز خاصی نگریسته می‌شود و حقیقت علمی مکشوف مشروط به افق این چشم‌انداز است. به بیانی دیگر، سخن از بی‌طرف بودن از حیث دیدگاه در اجماعی که در بسیاری از عناصر معرفت‌شناسی امروز به دست آمده است سخنی سنجیده به شمار نمی‌رود. نظریاتی چون انقلاب علمی کوهن، پدیدارشناسی هایدگر، زبان‌شناسی ویتگنشتاین، و گفتمان فوکو هر یک به شیوه‌ای به همین جا راه می‌برند که به پدیده‌ها و واقعیات می‌توان از زوایای نظری خاصی نگریست.

پیش‌فرضی که مبنای روش پدیدارشناسی قرار می‌گیرد این است که پدیدار، یعنی هر چیزی که ظاهر می‌شود، در تفکر و در عقل (لوگوس) نفوذ دارد و در مقابل عقل هم به نوبه خود در ضمن پدیدار ظاهر می‌شود و جز در بطن آن خود را آشکار نمی‌سازد. تنها با چنین شرطی پدیدارشناسی ممکن می‌شود (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۵۱). در پدیدارشناسی هدف آن است که اجازه دهیم پدیده مورد بررسی خود را تماماً آشکار سازد. همان‌طور که پدیدارشناسان

می‌گویند، پدیده‌ها توضیح‌دهنده حقیقت‌اند و خودشان سخن می‌گویند و آشکار می‌شوند. بنابراین وظیفه ما این است که تنها آماده شنیدن باشیم (منوچهری، ۱۳۹۰: ۶۸). این همانی است که در پژوهش به عنوان مواجهه با تجدد (مدرنیته) و در حوزه دانش‌پژوهی در گذار از سنت به تجدد و الگوی هژمون غرب خود را به ما پدیدار می‌کند و غرب با بهره‌گیری از پشتوانه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی می‌کوشد تا آن را به عنوان تنها الگوی ممکن در گذار معرفی کند.

۳. پدیده هم‌شکلی و پیامدهای ناکارآمدساز نظام اداری ایران

ورود تجدد غربی به کشورهای شرقی ضمن پدید آوردن تحولات گوناگون موجب شکل‌گیری یک دوگانه مفهومی «شرق-غرب» شد که بیانگر نوعی مناسبات بین دو دسته از تمدن بود. در این مناسبات تلاش شد تمدن غرب به عنوان تمدنی جدید دارای جایگاه برتر و تأثیرگذار در نسبت با تمدن شرق با جایگاه فروتر و تأثیرپذیر معرفی شود. هم‌شکلی سازمانی از جمله مصادیق و بازخوردهای این تمدن نوظهور است که به نوعی دستگاه اداری ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. بنابراین در این بخش مباحث را ذیل این عناوین پی می‌گیریم.

۳-۱. جوهر هم‌شکلی سازمانی

در نظریه‌های نهادی، ارتباط سازمان‌ها از بعد رفتاری بررسی می‌شود و باور به اینکه محیط با فشارهایی که بر سازمان‌ها به جهت کسب مشروعیت و مطابقت با هنجارهای اجتماعی تحمیل می‌کند آن‌ها را به سمت فعالیت‌هایی می‌کشاند که منجر به افزایش مشروعیت و تطبیق آن با قوانین و الزامات و هنجارهای محیط سازمانی می‌شود. این نظریه بینش عمیقی را در مورد نقش فاکتورهای نهادی با پذیرش و انتشار استانداردهای بین‌المللی در مقیاس جهانی می‌دهد و کشورها را با هدف از دست ندادن مشروعیت سازمانی به سمت قبول استانداردها و اصول غالب تشویق و ترغیب می‌کند. پاول و دی‌ماگیو مفهوم هم‌شکلی را در سال ۱۹۸۳ به عنوان محوری‌ترین مفاهیم در این نظریه مطرح کردند (صفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱). ایزومورفسم^۲ مفهومی گسترده است که در زمینه‌های مختلف مطرح می‌شود. این واژه از ریشه یونانی واژگانی چون «Iso» به معنای مشابهت و برابر از نظر شکل، ظاهر، اندازه، و نظایر آن و همچنین «Morphosis» به معنی شکل دادن یا همسان‌سازی در ریخت و شکل ترکیب شده است. این مفهوم در فارسی با عناوینی چون هم‌ریخت‌گرایی، هم‌شکلی، یا تناظر آمده است

(باباجانی، ۱۳۹۷: ۷۰). پس اگر زمانی اعضای یک سازمان از آینده یا مشروعیت آن اطمینان خاطر نداشته باشند، اغلب از سازمان‌هایی تقلید می‌کنند که موفق و مشروع به نظر می‌رسند. در این صورت هم‌شکلی سازمانی پدید می‌آید (Poulson & Campbell, 2010: 4). هم‌شکلی نهادی به سه شکل مجزا خود را نشان می‌دهد: اجباری، هنجاری، تقلیدی. آنچه در این اقسام مورد توجه بیشتر مقاله قرار دارد نوع اخیر آن است که به نقل از جورج جکسون و همکارانش به معنای همتایی آگاهانه یا ناآگاهانه آن چیزهایی است که تصور می‌شود در سازمان‌های دیگر موفق عمل کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، اقتباس و پذیرش ساختارها و فرآیندها و ویژگی‌های سازمان‌ها طوری که در محیط سازمانی متعلق به آن برتر تلقی شوند (Dua & Inder, 2022: 80). اما علاوه بر اینکه هم‌شکلی نهادی به سه سازکار هم‌شکلی اجباری (نظارتی)، تقلیدی (فرهنگی-شناختی)، هنجاری (اصولی) تقسیم شده است (Dimaggio & Powell, 1983: 55-57) به هم‌شکلی هوشمندانه و آگاهانه و همین‌طور هم‌شکلی غیر آگاهانه نیز قابل تقسیم است. از آنجا که جوهر و کانون هم‌شکلی تقلید و مشابه‌سازی است، اگر این هم‌ریختی هوشمندانه و آگاهانه باشد، عملکرد^۳ بر صورت و شکل^۴ غلبه دارد؛ در غیر این صورت در نوع غیر آگاهانه و غیر منطقی تلاش برای تظاهر به موفقیت و توسعه به جای تمرکز بر عملکرد درونی نهادها قرار می‌گیرد که این خود مانع پیشرفت است.

هم‌شکلی سازمانی از نوع تقلیدی ناشی از فعل و انفعالات شرکت‌ها و سازمان‌ها در یک صنعت و حوزه خاص و معطوف ساختن آن‌ها به سوی رفتارهای قابل قبول و پیروی از هنجارهای پیش‌فرض و نهایتاً سود و منفعت است (Dua & Tnder, 2022: 79). البته این سؤال در این عرصه از هم‌شکلی نیز به ذهن متبادر می‌شود که چرا سازمان‌ها این‌قدر به یک‌دیگر شبیه می‌شوند. نظریه‌های نئونهادی در پاسخ می‌گویند که سازمان‌ها در پی انطباق با انتظارات عقلانی و منطقی‌اند. در چنین مواقعی، به جای تأکید بر علل منطقی رفتار سازمانی، انتظارات در مورد آنچه عقلانی به نظر می‌رسد- به اصطلاح افسانه‌های عقلانی‌شده- هدایتگر اقدامات سازمانی است (Barnett et al., 2021: 212). بنابراین مطالعات منتشرشده در سنت نظریه نئونهادی نیز تمایل به نشان دادن نتایج منطبق با هم‌شکلی تقلیدی دارند؛ جایی که رفتار سازمان‌ها مشابه سایر سازمان‌های دیگر است.

اساساً هم‌شکلی یک فرآیند محدودکننده است که یک نهاد و واحد سازمان‌های دیگر را

مجبور به همسازی و شباهت می‌کند. دی‌ماگیو و پاول نیز در یک نگاه کلی از دو نوع هم‌شکلی رقابتی و نهادی سخن می‌گویند. این رویکرد ناشی از فشارهای رسمی و غیر رسمی سازمان‌هایی است که بر سازمان‌های وابسته وارد می‌کنند تا عوامل بیرونی را از جمله سیاست‌های دولت، مقررات، و ... بر سازمان‌ها برای اتخاذ ساختارها و فرآیندهای داخلی خاص تحمیل کنند (Dimaggio & Powell, 1983: 150-151). این توصیف را حتی برای قسم هم‌شکلی اجباری نیز به کار می‌برند.

۲-۳. هم‌شکلی سازمانی و ناکارآمدی نظام اداری در ایران

در وهله نخست، مهم‌ترین گام در طرح الگوی نوین حکمرانی با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب تشخیص و احصای چالش‌هایی است که نظام اداری ایران در مواجهه با الگوهای تجدیدی غرب به‌ویژه هم‌شکلی سازمانی با آن روبه‌روست و منجر به ناکارآمدی آن می‌شود:

۱-۲-۳. تقلید از الگوهای غیر بومی و عدم انطباق با بسترهای فرهنگی

نظام اداری هر کشوری نقشی عمده در فرآیند نوسازی سیاسی و توسعه و پیشرفت در کشور ایفا می‌کند که این امر خود مستلزم تحول و دگرگونی در سیستم اداری است (قوام، ۱۳۸۹: ۸۷). برخورد تخصصی در هیچ‌جای دنیا منشأ تحول در نظام اداری نشده است مگر اینکه با معیارهای ارزشی فرهنگی همخوانی داشته باشد. در این نگرش، ساخت فرهنگی نیز باید با فرآیند تحول و نوزایی هم‌ریختی داشته باشد. به بیانی دیگر، ساختار اداری در حال تحول با ساختار فرهنگی موجود مطابقت کند (جعفری، ۱۳۸۲: ۵۲). تجربه نشان داده است مختصات و کارکردهای بوروکراسی‌هایی که تحت حکومت استعماری قرار نداشته‌اند با وجود نقاط مشترک دارای تفاوت‌هایی نیز بوده‌اند. برخی از آن‌ها عرصه سیاسی را تا پایان جنگ جهانی دوم تحت سلطه خویش داشته‌اند و ساختار اداری‌شان به نحوی از انحا ترکیبی از عناصر سنتی و مدرن را در خود جای داده است و در برخی از مواقع نیز تقلیدی از نظام‌های اروپایی است (قوام، ۱۳۸۹: ۹۱). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد «تقلید» از عناصر کانونی در هم‌شکلی سازمانی است. این فرآیند محدودکننده نهادها و سازمان‌ها را وادار به هم‌سازی و شباهت و خود را مدلی موفق و البته هژمون عرضه می‌کند. این امر نهادها را بر آن می‌دارد تا از بسترهای فرهنگی کشور غافل بمانند و مقهور الگوهای غیر بومی و مدل‌های غربی شوند. اما بومی‌گزینی راهی است که می‌توان با آن بر این چالش نظام اداری در عصر جهانی شدن فائق

آمد. کینگ به نقل از استوارت هال می‌گوید: «بازگشت به بومی شدن واکنشی است نسبت به جهانی شدن» (کینگ، ۱۳۹۵: ۳۹). در عین حال می‌توان با توجه به بسترهای اعتقادی و فرهنگی کشور به انطباق‌سازی مؤلفه‌های تجدد نیز پرداخت.

بنابراین، در بررسی ساختار اداری، تقلید تشکیلات و سیستم مدیریتی در ارگان‌ها و سازمان‌ها قابل رؤیت است. کمبود نیروی انسانی متخصص و بازدهی کم و نامؤثر بودن نظام اداری، خود، ناشی از تقلیدی بودن سازمان‌ها است. در اکثر کشورهای جهان سوم و به عبارت دیگر بعد از فروپاشی نظام دوقطبی این تقلید تشکیلاتی و مدیریتی از مدل‌های خارج از مرزها و کشورهای توسعه‌یافته محرز و مشخص است. این جریان باعث شده فقط شکل و ظاهر ساختار اداری تحقق یابد؛ غافل از اینکه در حوزه کیفیت و عملکرد چندان موفق عمل نمی‌کند (جعفری، ۱۳۸۲: ۹۹). یکی از پژوهندگان در یادداشتی که اخیراً منتشر شده است مفهوم ایزومورفسم یا هم‌شکلی را در دنیای سازمان‌ها و نهادها مورد توجه قرار داده است و آن زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان‌ها و ادارات ساختارها، شیوه‌ها، نهادها، و فرهنگ مشابهی را اختیار می‌کنند تا شبیه به سازمان‌های معروف و موفق شوند. این پدیده منجر به تقلید کورکورانه و بی‌مغز سازمان‌ها از یک‌دیگر می‌شود که در شکلی فریبنده و مدرن فاقد عملکردی مطلوب هستند (سعیدی، ۱۴۰۳).

۲-۲-۳. تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری و گستردگی در ساختار اداری

ساختار اداری در ایران از مجموعه سازمانی عریض و طویل و متورم برخوردار است؛ از جمله تراکم در نیروی انسانی. در برخی ادارات میزهای دیوانیان از صندلی‌های انتظار ارباب رجوع نیز بیشتر است. یکی دیگر از آسیب‌های ساخت اداری انباشت نیروهای غیر خلاق در پیکره سازمان‌ها است. مراجعه‌کننده در این چرخه ساختار بوروکراتیزه‌شده اداری مجبور است به طور مستمر و با حضور مستقیم پشت درهای رؤسا منتظر باشد. همین امر موجب کندی کارها و ناکارآمدی و فقدان خلاقیت در حل مشکلات کشور می‌شود. این آسیب نه تنها ارباب رجوع بلکه دیوانیان و کارکنان را در چرخش امور اداری دچار حیرانی و سردرگمی می‌کند (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۶ - ۱۷). این امر منجر به متورم شدن ساخت اداری در کشور می‌شود؛ طوری که به لحاظ گرایش به دولتی کردن امور بعد از انقلاب اسلامی تعداد دستگاه‌های اجرایی در مقایسه با سال ۱۳۵۷ به بیش از سه برابر افزایش یافت. در آغاز دهه

۱۳۶۰ تعداد وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی نزدیک به ۳۵۰ بود که به بیش از ۱۳۵۰ دستگاه افزایش یافته است. بر اساس آمار مندرج در قوانین بودجه، تعداد شرکت‌های دولتی از ۱۶۸ شرکت در سال ۱۳۵۷ به ۳۴۳ شرکت در سال ۱۴۰۲ رسیده است. به عبارتی در این سال بالغ بر ۳۳۴۱ دستگاه اجرایی به‌استثنای دهیاری‌ها در ساختار کلان اداری کشور دیده شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳: ۱۰).

همچنین تمرکزگرایی در نظام اداری نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نه مشورتی بلکه محدود به حلقه خاصی از افراد است که نظام اداری را به‌خصوص در شرایط ویژه شکننده و آسیب‌پذیر می‌سازد. این مقوله تا بدانجا مهم بوده است که نظریه‌پردازان توسعه را در اواسط و اواخر دهه ۱۹۷۰ به تحقیقات و پژوهش‌های عمیقی واداشت (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۲۴۰). با وجود ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳ و ۶ و ۴۸ و ۱۰۰ و احکام مندرج در برنامه توسعه کشور در خصوص نظام سیاسی-اداری، چه بعد چه قبل از انقلاب، که از سال ۱۳۱۶ با حاکمیت تمرکزگرایانه بر سرنوشت کشور وجود داشته، همچنان تغییرات ماهوی و متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی صورت نگرفته است و تغییرات هرچند اندک نیز جز حجیم شدن نظام اداری و دولت بزرگ‌تر، متورم، متمرکز، و ناکارآمد عایدی به همراه نداشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳: ۱۳). بنابراین ساخت اداری در ایران عصر امروز نیز نتوانست اریه تمرکزگرایی گذشته را بزداید. سازمان‌های اداری موازی بنا بر شرایط حاکم بر انقلاب نهاد‌های تصمیم‌ساز تأسیس شدند و به تأسی از سازمان‌های نوپای اداری، علاوه بر آیین‌نامه‌های ابلاغی، به ترویج و تکثیر بخشنامه‌های جدید اقدام کردند. با توجه به ماهیت انقلاب سیاسی-اجتماعی در ایران، تحول بنیادین و کارآمدی در جهت کوچک‌تر شدن و کاهش مقررات و بخشنامه‌های دست‌وپاگیر و نه‌چندان ضروری در سیستم دیوان‌سالاری صورت نگرفته است. بررسی ساختار اداری در ایران نشان‌دهنده آن است که با توجه به ذاتیت بوروکراسی، خود، به جای آنکه امورات مردم را تسهیل کند، به یک عامل بازدارنده در حل امورات آنان مبدل شده است (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۶ - ۱۷). در گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر کرده است، در یک تصویر کلی، علل ناکارآمدی و غیراثربخشی ساختار نظام اداری بر مدار حکومت قانون و آسیب‌شناسی نهادی و تحلیل رفتاری سازمان‌ها در تمشیت امور عمومی در کشور مورد

ارزیابی قرار گرفته است. در این گزارش، ابتدا به مهم‌ترین ویژگی‌های یک بوروکراسی توانمند و کارآمد برای اجرای قانون- شامل یکپارچگی (انسجام)، رسانایی (به معنای قابلیت انتقال اثر سیاست‌های کلان به سطوح خرد)، هماهنگی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری- پرداخته شده است. از جمله موارد تأکیدشده در گزارش که منجر به ناکارآمدی نظام اداری در اجرای قانون به شمار آمده است ناکامی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در تنظیم و تمشیت امور از طریق قانون‌گذاری و ناتوانی نظام عریض و طویل بوروکراسی در کشور است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۱ - ۲).

۳-۲-۳. فقدان تنوع ساختاری و کاهش خلاقیت و نوآوری

تنوع ساختاری از جمله مؤلفه‌های مهم توسعه تلقی می‌شود که یکی از جنبه‌های ضروری آن در تخصصی شدن نقش‌ها و تقسیم کار ظهور و بروز می‌یابد (قوام، ۱۳۸۹: ۹۸). به عقیده یکی از پژوهندگان، بخش عمده افزایش کارایی و انسجام تئوری حاکم بر جامعه را نخبگان آن جامعه بر دوش می‌کشند. در واقع وظیفه آنان انطباق زوایای مثلث مملکت‌داری- شامل علم، امنیت، مشروعیت- با مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه است. به عقیده این پژوهنده «تشکل اجتماعی» تنها زمانی برقرار می‌شود که افراد و نهادها با اهدافی روشن مجموعه‌ای کارآمد را با وجود قانون‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند که نه تنها به دفع یک‌دیگر بلکه به سنجیت و تعامل با یک‌دیگر بینجامد (سریع‌القلم: ۱۳۸۶: ۹۷ - ۹۸). اما هم‌شکلی سازمانی در ایران به تقلید از شکل و ظاهر سازمان‌ها انجامیده است که همین امر میزان کارایی و عملکرد آن‌ها را در جهت اهداف ازپیش‌تعیین‌شده نامطلوب می‌سازد و کاهش پویایی و نوآوری را در امر توسعه به همراه دارد.

رفتارپژوهان سازمانی دلایلی را برای هم‌شکلی ذکر می‌کنند؛ از جمله اینکه از طریق مشابهت با الگوهای موفق در پی مشروعیت و اعتباربخشی و پذیرش از سوی دیگر نهادها هستند. در ضمن از طریق تقلید و هم‌شکلی می‌خواهند خطر شکست در محیط‌های ناپایدار و نامطمئن را کاهش و عملکرد خود را بهبود دهند. ناگفته پیداست که الگوبرداری صحیح شیوه‌ها و قابلیت‌های یک مجموعه می‌تواند در اغلب اوقات به بهبود عملکرد سازمان منجر شود. اما غالباً این گونه نیست. چون به عقیده برخی هم‌شکلی سازمانی می‌تواند تدبیری راهگشا برای یک شکست مقتدرانه باشد. بنابراین، این امر با برخورداری از ظاهری توسعه‌یافته اسباب

پنهان شدن توسعه‌نیافتگی می‌شود. در این یادداشت از سازمان توسعه تجارت ایران مثال آورده می‌شود که با وجود ظاهری مدرن و بین‌المللی در ترویج و توسعه تجارت و کارآفرینی در کشور چندان موفق عمل نکرده است یا تأسیس سازمان خصوصی‌سازی موفقیت اعلام می‌شود، ولی اقتصاد همچنان دولتی‌تر است. جذب تعداد دانشجویان نوعی افتخار تلقی می‌شود، اما مشکلات کشور همچنان لاینحل باقی می‌ماند. شرکت‌های بسیاری در کشور به وجود می‌آید، اما محصولات همچنان فاقد کیفیت است. دولت و نهادها در عرصه حکمرانی در ظاهر مدرن می‌شوند، اما اسباب توسعه‌نیافتگی نمی‌شوند.

اساساً سازمانی که قابلیت‌های مسئله‌محور خود را در فرآیند تدریجی توسعه پرورش دهد می‌تواند از کارآمدی و رضایتمندی بیشتری برخوردار باشد نه با هم‌شکلی سازمانی و نهادی (سعیدی، ۱۴۰۳).

۴. آیت‌الله خامنه‌ای؛ بازخوانی تجدد غربی برای طرح الگوی نوین حکمرانی

تا آنجا که به مباحث تجدد و ملزومات سلطه‌جویانه آن مربوط می‌شود، آیت‌الله خامنه‌ای در محل تلاقی گذر از یک پارادایم به پارادایم جدید با هدف طرح مدل بومی و منطبق با بسترهای اعتقادی [اسلامی] و تاریخی [ایرانی] قرار دارد. بنابراین در این بخش هسته محوری دیدگاه ایشان در مورد بازخوانی تجدد غربی و ملاحظات در خصوص ضرورت پایه‌گذاری یک الگوی نوین حکمرانی مورد توجه است.

۴-۱. بیانیه گام دوم؛ راهبردی در جهت تمدن‌سازی

در چهلمین سالروز انقلاب، بیانیه‌ای راهبردی معروف به «بیانیه گام دوم» ضمن اشاره به دستاوردها و تجربیات چهار دهه گذشته و ترسیم مسیر آینده نظام اسلامی توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شد. تبیین مفهومی و محتوایی بیانیه گام دوم نشان می‌دهد که نظام اسلامی به دولت‌سازی به عنوان مراحل از فرآیند تمدنی دست یافته و مراحل را نیز از جمله جامعه‌سازی تا رسیدن به غایت نهایی، یعنی تحقق تمدن اسلامی، پیش رو دارد. هدف بلندمدت انقلاب ساختن تمدن نوین اسلامی است که از نظر معظم‌له رقیب و سرانجام‌بدیل تمدن کنونی غرب است. این تمدن که محدود به ایران و جهان اسلام نیست تمدنی است که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای مادی تجدد غرب در حوزه پیشرفت فناوری و علم و صنعت کمبودهای آن را در حوزه معنویت و اخلاق جبران کند و شرایطی را برای گذار تاریخ از عصر

ماقبل ظهور به عصر ظهور فراهم آورد تا جامعه بشری را به تقدیرش که صلاح و فلاح نهایی نسل بشر است برساند (اکرمی نیا، ۱۳۹۸: ۲۱ - ۵۹). بنابراین مقام معظم رهبری ضمن طرح مراحل پنج‌گانه گذار به تمدن اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴ [الف]) اهدافی چون نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی، و تمدن‌سازی را پیش روی انقلاب ایران دانسته‌اند. ایشان انقلاب ایران در آغاز چله دوم را در مرحله دولت‌سازی معرفی کردند که هنوز وارد جامعه‌سازی نشده است. مرحله نهایی این فراگرد همانا تمدن اسلامی است.

در این مفهوم‌بندی «امت اسلامی» می‌تواند با تلاشی مجدانه و مجاهدانه آغازگر فصلی از تمدن نوین اسلامی باشد و با شالوده‌ریزی و طراحی در این دوران، الگوی نوین حکمرانی را به جامعه بشری عرضه کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸). ایشان از این مراحل به مثابه یک زنجیره سخن گفت که حلقه‌های آن ضمن اتصال به یک‌دیگر همراه هم یک فراگرد واحد را می‌سازند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴ [الف]). در بخش دوم بیانیه توصیه‌هایی برای پیشبرد برنامه‌های آینده در هفت محور: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی آمده است که در نوع خود جالب توجه است (← خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

اولویت صدر توصیه‌ها با «علم و پژوهش» در بیانیه نشان‌دهنده آن است که در نظر ایشان این محور باید اساس پیشرفت کشور در دنیای کنونی باشد و بی‌شک نقش تعیین‌کننده‌ای در حرکت به سمت غایت نهایی انقلاب، یعنی استقرار تمدن نوین اسلامی، دارد. آیت‌الله خامنه‌ای به طور مکرر بر اهمیت دستیابی به علم برای کشور تأکید می‌کنند و در اشاره به رشد سریع علمی کشور در دو دهه گذشته و ارتقا به رتبه شانزدهم می‌گویند که این فقط یک آغاز بوده است و ما تا دستیابی به قله هنوز فاصله زیادی داریم. نیز خطاب به جوانان می‌گویند: «به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بیمناک است ناکام سازید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). اساساً، در فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی، تماماً غرب‌پذیر بودن و تماماً غرب‌گریز بودن بی‌معناست؛ بلکه باید غرب را شناخت و از مظاهر غربی و محصولات تجدد تا جایی که منطبق با چارچوب‌های اسلامی ماست بهره‌مند شد. در کتاب عصر جدید آمده است: «ما نه غرب‌پذیریم، نه غرب‌گزینیم، نه غرب‌گریزیم، و نه غرب‌ستیزی کور را دنبال می‌کنیم. رویکرد ما رویکرد استحاله تمدن غرب در تمدن اسلامی است؛ کما اینکه غرب

می‌خواهد ما را در خودش استحاله کند» (میرباقری، ۱۳۹۸: ۷۵). از این رو، بیانیه گام دوم انقلاب خط‌مشی کلی را در جهت مواجهه با مظاهر تجدد غربی مقرر می‌سازد و سندی راهبردی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. طبق این سند، شعارهای جهانی انقلاب اسلامی ریشه در فطرت بشری دارد و به همین دلیل همواره پویا و زنده است. تأکید بر مواردی چون آزادی، اخلاق، معنویت، استقلال و عزت، عدالت، و عقلانیت همگی در آن لحاظ شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بنابراین تحقق تمدن نوین اسلامی نه با تقلید از الگوهای غربی بلکه با استفاده از ظرفیت‌های اعتقادی و مکتبی و رجوع به فطرت انسان برای ارائه الگویی بومی و غیر غربی امکان‌پذیر است. همان‌طور که در یکی از بیانات مقام معظم رهبری اشاره شد، به تعبیر ایشان حیات اسلامی حیات طیبه است. حیات طیبه و زندگی پاکیزه یعنی زندگی‌ای که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی احساس آرامش و آسایش کند ... (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹ [الف]).

۲-۴. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ به مثابه بدیل الگوی غربی

به ابتکار آیت‌الله خامنه‌ای از بهمن ۱۳۸۹ یک سلسله نشست‌هایی با حضور جمعی از دانش‌وران دانشگاهی و حوزی برگزار شد تا به تدوین یک راهبرد جهت توسعه با مشخصه‌های بومی و هم‌سو با مبانی اسلامی بپردازد. در این نشست‌ها مقاله‌هایی ارائه شد و بحث‌هایی صورت گرفت که در قالب کتب و نوشته‌ها منتشر شد. هدف ایشان نقد مبانی توسعه غربی و طرح الگویی جایگزین برای توسعه در سنت تمدنی غربی بود که دلیل آن نارضایتی از الگوی توسعه غرب و نیاز به الگوی هم‌خوان با مبانی ایرانی-اسلامی و برداشت انقلاب اسلامی با نگاهی به مظاهر تمدن تجددی غرب بود. مهم‌ترین نقدی که می‌توان برشمرد عبارت‌اند از دنیوی و سکولار بودن هدف و غایت توسعه مدرن که بی‌توجه به ابعاد معنوی وجود انسان است؛ این امر مطالعه بر روی انسان و هستی و حیات بشری را اساساً بر مبادی نیازهای مادی و بهبودی زندگی دنیوی او متمرکز می‌کند و در فهم نیازهای انسان از حیث ملاحظات توسعه نیز متکی بر عقلانیت ابزاری است.

در الگوی اسلامی-ایرانی، پس از نقد ملاحظات توسعه غربی، اصول مبنایی دیگری مطرح می‌شود؛ از جمله در اسلام مقصد و غایت توسعه تنها رفاه این‌جهانی نیست، غایت حقیقی رستگاری اخروی است. اسلام برای انسان و فرهنگ و تاریخ نیز قائل به ساحتی معنوی و مینوی است. عقل ابزاری مرتبه نازلی از عقلانیت است و برای برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت توسعه از

توان لازم برخوردار نیست. بنابراین در اسلام عقیده بر این است که برنامه توسعه را عقل نظری و عقل عملی در پیوند با نصوص دینی تحت هدایت خود داشته باشد (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۹۳ - ۹۶). رهبری در مباحث توسعه‌ای چه در عرصه اقتصادی چه دیگر عرصه‌ها به نقد مدل‌های غیر بومی پرداخته‌اند. چون به عقیده ایشان طرح مدل‌های بیگانه ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه می‌دارد. بنابراین بر احیای مدل توسعه در جمهوری اسلامی مبتنی بر شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث، و اعتقادات و ایمان مردم تأکید داشته و تنها مدل حکمرانی خوب را یک مدل بومی و مختص ملت ایران دانسته‌اند. از این رو، نباید از جایی مثل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، فلان کشور چپ یا راست تقلید کرد. هر جا اقتضائات خاص خود را دارد. ایشان در ادامه بیانات خود بر این موضوع تأکید داشتند که بین استفاده از تجارب دیگر کشورها و پیروی از مدل‌های تحمیلی و القائی تفاوت وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۱۸ - ۱۹).

یکی از عمده شاخصه‌های این الگوی بومی که عنصر متمایزکننده تمدن نوین اسلامی از تمدن مدرن غرب است «عدالت» است که در بیانات گوناگون رهبری معظم انقلاب بر آن تأکید شده است. عباس نبوی در مقاله‌ای که به سلسله نشست‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت فرستاده شده است سعی کرده جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی را در این الگو مورد بررسی و کاوش قرار دهد. او قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان ترجمان روزآمد تفکر اسلام در بنا نهادن نظم و تمدن نوین در جامعه اسلامی ایران دارای نقش تعیین‌کننده و بدیلی می‌داند (نبوی، ۱۳۹۳: ۹). بنابراین جامعه اسلامی پیشرفته جامعه‌ای عدالت‌محور، اتراف^۵ستیز، و استضعاف‌گریز است و هدف آن تعالی و رشد مردم در جهت حیات مادی و معنوی است. چنین جامعه‌ای محور اصلی‌اش را تحقق عدالت اجتماعی و تعادل می‌داند (نبوی، ۱۳۹۳: ۱۷ - ۱۸). رهبری معظم انقلاب همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند که نظام اسلامی با عدل و قسط شناخته می‌شود، ضمن اینکه از باب تأسف یادآور می‌شوند که جامعه ما هنوز با عدالت و به‌ویژه قسط فاصله بسیار دارد و نظام اسلامی در راه این مقصود کارهای زیادی باید انجام دهد. ایشان وظیفه مسئولان را اجرای عدالت در تمامی سطوح جامعه می‌دانند: «آنچه در این بین باید با وسواس و دقت دنبالش باشید مسئله عدالت اجتماعی است که با رشد و توسعه هم سازگار است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸ [الف]). به عقیده ایشان عدالت باید مبنای تصمیم‌گیری‌های اجرایی باشد. همه دست‌اندرکاران باید در پیشبرد امر عدالت کوشا باشند. اساساً حاکمیت اسلام به معنای حاکمیت عدل و علم و انصاف بر انسان‌هاست: «حاکمیت اسلام یعنی

حاکمیت عدل و علم و انصاف بر مجموعه انسان‌ها؛ حاکمیتی که می‌تواند هم جسم انسان‌ها هم دل انسان‌ها هم عواطف، اخلاق، و زندگی واقعی و زندگی معنوی آن‌ها هم دنیا و آخرتشان را آباد کند. حاکمیت دین یعنی این» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲). بنابراین عدالت مفهوم کلیدی در نظریات آیت‌الله خامنه‌ای است که در بیانیه نیز بر آن تأکید شده است. ایشان مبارزه با فساد را از ملزومات عدالت به شمار می‌آورند و هشدار می‌دهند که فساد اقتصادی، اخلاقی، و سیاسی برای جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است به منزله زلزله‌ای ویرانگر است. به عقیده ایشان، کسب ثروت جرم نیست؛ اما با تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد باید به شدت مقابله شود. در بخشی از بیانات آمده است: «غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بدیهی است که تحقق عدالت اجتماعی به مثابه محور اصلی جامعه اسلامی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیازمند حرکت از اتراف و استضعاف به سوی خط تعادل است. این الگوی نظری «اتراف-تعادل-استضعاف» مبتنی بر تقدم رتبی حرکت از نقطه کاهش بی‌عدالتی و رفع ظلم به سمت محور عدالت است (نبوی، ۱۳۹۳: ۲۵).

از موضوعات مورد بحث دیگر در حوزه تمدنی پیشرفت و توسعه در گستره اندیشه دینی و توجه به اعتلای معنویت و اخلاق در جهت ارتقای علم و فناوری است که پیش‌تر بدان اشاره شد. به‌خصوص در بستر شریعت و اندیشه دینی ما مسلمانان این امر مورد دقت نظر فراوان است. رفاه و آسایش همگانی و فردی، رشد اقتصادی، اعتلای معنویت، ارتقای علم و در عین حال عدم وابستگی به بیگانه از جمله مواردی است که در تمدن اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد. در گستره اندیشه دینی برای استخراج عقلانیت معطوف به پیشرفت باید به علم کلام رجوع کرد. چون علم کلام به عنوان دانشی زمانی-مکانی، دین را در عرصه عمومی و اجتماعی وارد می‌کند. به عبارت دیگر، دین وارد فرآیند فرهنگی می‌شود و عقلانیت سیال دینی وجهه عام می‌یابد. «عقلانیت زیسته» هم محصول همین ساختار است که نوع نگاه آن به ارتقای علم و فناوری و اعتلای معنویت و اخلاق تبدیل به روشی برای حیات اجتماعی می‌شود که توأمان عقلانی، معنوی، عارفانه، عالمانه، فیلسوفانه، و تجربی است و در نهایت دل در گرو معرفت و حیانی دارد (آکوچیان، ۱۳۹۳: ۳۶). با این نگرش، اخلاق نه تنها مورد توجه قرار می‌گیرد بلکه اصول و الگوی پیشرفت و ترقی است که باید در اولویت باشد. پس

پیشرفتی که هدف آن معنویت و اخلاق در فرد و جامعه نباشد اساساً باطل است. ازاین‌رو، معنویت با عدالت نیز پیوند می‌یابد. با این همه، اساس تمدنی که ما مدعی آن هستیم بر فطرت و سرشت انسانی و کمال فکری بشر استوار است: «پایه اصلی تمدن نه بر صنعت و فناوری و علم که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسان است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱).

همچنین در جدیدترین اظهارات ایشان در بازدید از نمایشگاه «پیشگامان پیشرفت» توجه به رشد تولید و میدان دادن به بخش خصوصی در شرایطی است که دغدغه اصلی کشور جنگ اقتصادی است. یکی از موارد تأکیدشده آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار این بود که نظام تصمیم‌گیری اجرایی کشور باید به بخش خصوصی که در زمینه اقتصاد یکی از مثال‌ها و مصداق‌های پیشرفت کشور است کمک کند. این الزام است: باید کمک کند. مهم‌ترین کمک هم برداشتن موانع از سر راهشان است. با کمال تأسف در یک جاهایی دستگاه‌های دولتی یا دستگاه‌های نظارتی نقش سرعت‌گیر را ایفا می‌کنند؛ یعنی به جای اینکه به پیشرفت و توسعه شرکت‌ها کمک کنند موانعی ایجاد می‌کنند که این در واقع مانع پیشرفت آن‌ها می‌شود. ایشان در پایان بیانات بر کاهش و حذف دلار در مبالغ تجاری تأکید کردند و آن را کار بزرگی در کارزار اقتصادی شمردند که البته عکس‌العمل کشورهای غربی را نیز در پی خواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱۱/۰۳). این گفته‌ها نشان‌دهنده آن است که توجه به پیشرفت و رشد اقتصادی از اولویت‌های مسئولین و تولیدکنندگان باید باشد. وابستگی و تقلید از الگوهای غیربومی باید حذف شود. سپس «یک مصداق مهم برای برداشتن موانع عمل به سیاست‌های اصل ۴۴ است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱۱/۰۳) و دیگر اینکه از مقررات و قواعد دست‌وپاگیر در امر گسترش بخش خصوصی پرهیز شود. این همان خطر هم‌شکلی سازمانی است که می‌تواند تهدیدی جدی در رشد و پیشرفت کشور باشد.

۳-۴. نظریه نظام انقلابی؛ روحیه انقلابی در جهت پیشبرد اهداف

نظریه آیت‌الله خامنه‌ای را در خصوص نظام انقلابی می‌توان «نظریه انقلاب مستمر» نامید. مفهوم این سخن آن است که انقلابی عمل کردن جوهر نظام جمهوری اسلامی ایران است. این امر باید مبنای حکمرانی مطلوب در کشور باشد. ایستادگی در برابر دشمنان بر پایه ارزش‌های انقلاب از محورهای بینش راهبردی ایشان در تقابل بین ایران و غرب و طرح تمدنی است که

در برابر غرب مطرح شده است. نظام انقلابی گویای آن است که بعد از پیروزی و دستیابی به برخی از اهدافی که فوریت بیشتری دارد متوقف نمی‌شود و اهداف دوربرد دارد که می‌خواهد آن را همچنان با شور و اشتیاق انقلابی دنبال کند. پرسشی که در ابتدا به ذهن خطور می‌کند این است که دو مفهوم «انقلاب» و «نظام» ظاهراً با یک‌دیگر در تناقض‌اند. واژه «نظام» مفهوم نظم و ثبات و واژه «انقلاب» بیشتر تغییر و دگرگونی را القا می‌کند. اما برای فهم دقیق‌تر نظریه نظام انقلابی باید به منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای رجوع کرد. ایشان برای انقلاب اسلامی افق خاصی را ترسیم کرده‌اند و آن را به مثابه یک فرآیند می‌بینند که طی مراحل باید به سوی مقصد خود که همانا تمدن نوین است طی طریق کند. برای اینکه نظام اسلامی این مراحل را پیماید باید همواره انقلابی بماند و انقلابی عمل کند. اینجاست که در اشاره به مضمون و محتوای انقلاب اسلامی نسبت به خطر انحراف انقلاب و تهی شدن آن از محتوای واقعی هشدار می‌دهد.

منشأ انحراف هم می‌تواند خارجی، یعنی تلاش و دسیسه دشمنان بیرونی، یا عقب‌نشینی ناگهانی یا تدریجی از هدف‌های عمده و اصلی خود باشد. آن‌گاه چنین نظامی را دیگر نمی‌توان نظام انقلابی خواند. پس یکی از خصوصیات نظریه نظام انقلابی حضور فعال مردم در صحنه است (بروجردی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). ایشان باور دارند که نجات کشور در انقلاب و انقلابی ماندن است و اگر ارزش‌های انقلابی فراموش شود با هیچ قدرتی مشکلات کشور برطرف نخواهد شد. بنابراین ارزش‌ها و شعارهای انقلابی ابزار حرکت و تضمین‌کننده حضور آحاد ملت است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰ [ب]). همچنین یکی از عناصر اصلی این نظریه مقابله با زورگویی امریکاست و نظام انقلابی همچون فرد انقلابی در راهی که برگزیده است ثابت‌قدم می‌ماند: «مادامی که امریکا به عنوان یک ابرقدرت متجاوز در درون مرزهای خود محصور نشود بشریت روی آسایش نخواهد دید ... این‌ها به شدت مرعوب اسلام‌اند. این‌ها نشانه اسلام را دیده‌اند. معنویت اسلام را دیده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸). پیوند منطقی چنین نظریه‌ای با هویت‌خواهی شیعی انقلاب اسلامی و الهیات رهایی‌بخش آن در عرصه دیپلماسی نیز قابل توجه است. به باور بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی با حرکت به سمت نهادسازی و تأسیس دستگاه‌های کشورداری و روابط خارجی در مناسبات خود با نظام بین‌الملل به مصلحت‌جویی روی خواهد آورد و از آرمان‌خواهی در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دست خواهد کشید. این در حالی است که رهبری معظم انقلاب تبعیت از اصل

مصلحت به بهای دست برداشتن از عزت ملی و عقب‌نشینی از آرمان‌های انقلابی در سیاست خارجی را- از جمله کوتاه آمدن در حمایت قاطع از مردم فلسطین، لبنان، عراق، یمن- پذیرفتنی ندانسته‌اند. ایشان یادآور می‌شوند نظام انقلابی از الزامات جهاد بزرگ برای ساختن تمدن نوین اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ [ب]). با وجود این، ایشان مدافع انقلابی‌گری به معنای تندروی و افراطی نیستند و بر این معنا تأکید دارند که عمل انقلابی باید با کار تشکیلاتی، منطقی، دقیق، و حساب‌شده همراه باشد. بنابراین تأکید می‌کنند که نباید بین کار انقلابی و برخورد منطقی با مسائل و همچنین کار تشکیلاتی منافات دید: «انقلابی‌گری به این نیست که ما آنجایی که نباید پرخاش کنیم بیخودی پرخاش کنیم؛ انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه، بدون رودربایستی، بدون مرعوب شدن، بدون خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱ [ب]).

نتیجه‌گیری

یکی از مصادیق الگوپذیری از غرب و فرهنگ بیگانه پدیده‌ای است به نام «هم‌شکلی سازمانی» که می‌تواند زمینه را برای ناکارآمدی نهادها و سازمان‌ها فراهم سازد و مانع توسعه و پیشرفت در سطوح مختلف شود. همین امر نارضایتی‌هایی را در سطوح درون‌سازمانی و عمومی به همراه می‌آورد. بنابراین آنچه در هم‌شکلی کانون توجه شرکت‌ها و ارگان‌ها قرار می‌گیرد، چنان که در مفهوم آن مستتر است، تقلید و پیروی از سایر الگوهاست که سازمان‌ها را در شکل و ظاهر مدرن اما از درون تهی از عملکرد و کارایی مطلوب می‌کند. از این رو، پدیده هم‌شکلی سازمانی پیامدهای ناکارآمدی نیز برای نظام اداری ایران داشته است که از آن جمله می‌توان به تقلید از الگوهای غیر بومی و عدم انطباق با بسترهای فرهنگی، تمرکزگرایی و حجیم شدن ساختار اداری، فقدان تنوع ساختاری، و کاهش خلاقیت و نوآوری اشاره داشت.

آیت‌الله خامنه‌ای در زمره رهبرانی است که در جست‌وجوی الگوی بومی بدیل برای الگوهای منبعث از تجدد غربی و تمدن برآمده از آن است؛ تمدنی که داعیه جهانی دارد و می‌خواهد هژمونی خود را بر دیگر کشورها تحمیل کند. ایشان متفکر و رهبری سیاسی هستند که تجدد غربی را نقد می‌کنند و آن را نه برای حل مسائل مهم جهان عصر امروز مناسب می‌دانند نه مسیری عام برای همه فرهنگ‌های جهان از جمله فرهنگ اسلامی کشور ایران. آیت‌الله خامنه‌ای، برخلاف منتقدان رادیکال فرهنگ غربی، همه وجوه تجدد را رد نمی‌کنند و فقط با وجه سلطه‌گری و فرهنگ تماماً مادی‌گرایانه آن مخالف‌اند. چنان که غربی‌ها از همان

ابتدا که در دنیا برتری یافتند همراه با تغییر موازنه اقتصادی و سیاسی و نظامی در مسیر استعمار اقتصادی و سیاسی و تحمیل فرهنگ خود بر دیگران گام برداشتند. آیت‌الله خامنه‌ای نه علم مدرن و فناوری منبعث از آن نه صنعت و تکنولوژی را فی‌نفسه نفی نمی‌کند، بلکه خودبینی و آزمندی را به مثابه فاصله گرفتن از فطرت مورد نقد قرار می‌دهند. بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای از کسانی هستند که پدیده استعمار را محصول همین تجدد و تمدن غربی به شمار می‌آورند. در واقع بخش عمده دل‌مشغولی معظم‌له معطوف به دو موضوع مهم است: یکی طرح یک الگوی بومی برای توسعه با عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و دیگری ارائه الگویی برای یک تمدن جدید به نام تمدن نوین اسلامی که دنباله منطقی اسناد بالادستی نظام قرار می‌گیرد. مثلاً، آیت‌الله خامنه‌ای در اشاره‌ای به سبک زندگی به یادآوری این نکته می‌پردازد که باید از الگوی زندگی غربی که زیان‌های جبران‌ناپذیری در ابعاد اخلاقی، دینی، اقتصادی، و سیاسی در سطح فردی و اجتماعی به بار می‌آورد حذر کرد.

تدوین بیانیه گام دوم انقلاب و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به عنوان بدیل الگوی غربی، خط‌مشی راهبردی در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی قلمداد می‌شود که به لحاظ ماهوی و مبانی معرفتی تفاوت‌های قابل توجهی با الگوهای غربی و ملزومات آن دارد؛ از جمله اینکه باور به دوساحتی بودن انسان و توجه به بعد روحانی او در قالب نگرش توحیدی اسلام محور این طرز تلقی است، علاوه بر اینکه هیچ تفکیکی بین سطح مادی و معنوی زندگی انسانی دیده نمی‌شود، بلکه ارتقای سطح مادی زندگی او به رفاه و آسایش می‌انجامد که البته این امر نسبی است و می‌تواند موجب تعالی انسان در سطح معنوی او شود. بنابراین انسان به عنوان خلیفه خداوند در روی زمین در پی تحقق حیات طیبه از طریق مدیریت بر قوای درونی خویش و اداره امور بیرونی در عرصه اجتماعی است تا الگوی مطلوب را در سطح حکمرانی کشور برگزیند. به بیانی دقیق‌تر، این نگرش تنها رفاه مادی و پیشرفتی را می‌پذیرد که تعالی بشر را در معنویت و اخلاق و انسانیت همراه داشته باشد. بنابراین رستگاری حقیقی و کمال مطلوب او در تقرب به خدا است.

در یک استنتاج نظری، آیت‌الله خامنه‌ای تجربه عملی و نظری چند نسل از مبارزان ایرانی و اسلامی در راه استقلال، آزادی، عدالت، و پیشرفت را در نظریه نظام انقلابی با مضمون استمرار روحیه انقلابی‌گری برای تدارک یک الگوی بومی تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در خود جمع کرده است. این نظریه و الگوی حکمرانی مطلوب حاوی عناصر اصلی رهایی‌بخشی و عزت ملی،

رهایی بخشی اجتماعی منبعث از الهیات رهایی بخش اسلامی [شیعی]، و بازسازی یک تمدن نوین با بازنگری در مضامین عمده رنسانس و روشنگری اروپا و نقد مصادیقی چون هم شکلی سازمانی و نهادی نه در جهت انکار تام و تمام بلکه در جهت اصلاح پیش رفته است. در این الگوی نوین، آزادی با عدالت پیوندی ناگسستنی دارد. گفتمان مقاومت در برابر سلطه و در معنای امروزی تر آن «استکبار» با پیشرفت در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی درآمیخته است. اسلام با همه نیازهای نه تنها جامعه اسلامی بلکه جامعه بشری در همه عصرها و عرصه های مادی و معنوی هم ساز شده و به دعوی سنت و تجدد پاسخ داده است؛ طوری که سنت در تجدد ادغام شده و تجدد سنت را با خود همراه کرده است. به همین سبب، طرح تمدن نوین اسلامی مورد نظر ایشان دستاوردهای تمدن تجدیدی غرب را در عرصه های گوناگون علم و فناوری و فراهم کردن امکانات رفاه مادی برای بشر ارج می نهد؛ درحالی که ناکامی آن را در برآورده ساختن رستگاری حقیقی و تعالی انسانی برجسته می کند. شرح این مباحث جایگاه و عملکرد ما را در این چهار دهه از عمر انقلاب در مواجهه با فرهنگ غربی مشخص می کند تا بتوانیم بر یک شکل گرایی ظاهری در نهادها و سازمان ها، که نتیجه تقلید از الگوهای غیر بومی غربی است، فائق آییم. در مقابل، برای پر کردن خلأ معنویت و عملکرد در این الگوها با رویکرد تمدنی آیت الله خامنه ای عدالت اجتماعی زینت بخش جامعه بشری شود. پس نظریه نظام انقلابی در بینش سیاسی رهبری معظم انقلاب در عین حال نظریه ای انتظام بخش در عملکردهای درونی سازمان و رهایی بخش در عرصه های اجتماعی نیز محسوب می شود.

یادداشت ها

۱. این مقاله از طرح پسادکتری دانشگاه مازندران با شماره قرارداد ۲۰۳۷۳۵۵ استخراج شده است.

2. isomorphism

3. function

4. form

۵. به لحاظ واژه شناسی «اتراف» به معنای غوطه ور شدن مطلق و نامحدود در لذات و مطامع دنیوی است (طریحی، ۱۳۶۲: ۳۰).

منابع

کتاب‌ها

- آکوچکیان، ع. (۱۳۹۳). *بازخوانی عقلانیت معطوف به پیشرفت (مهندسی کلام دینی در تحقق یک متاپارادایم)*. تهران: نشر الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت).
- احمدی کلیسانی، م. (۱۴۰۳). *ظرفیت‌های حکمت صدرایی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و موانع ایجاد آن*. تهران: نسل روشن.
- بابایی، ح. (۱۳۹۳). *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بروجردی، ن. (۱۳۹۶). *انسان انقلابی در کلام امام خامنه‌ای*. تهران: دفاع.
- جعفری، ا. (۱۳۸۲). *ناکارآمدی ساختار اداری ایران (ریاست-مدیریت)*. تهران: روزین.
- حقیقت، ص. (۱۳۹۴). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۴). *الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر رهبر معظم انقلاب*. به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا. تهران: انقلاب اسلامی.
- خوشدونی، م.، حسینی‌فاضل، س.م.، زمانی‌محبوب، ح.، و کاظم‌زاده مزرعه، ه. (۱۴۰۲). *تمدن نوین اسلامی و ولایت فقیه*. قم: پژوهشگاه علوم انسانی امام صادق (ع).
- رابرتسون، ر. (۱۳۹۳). *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*. مترجم: کمال پولادی. تهران: ثالث.
- رجبی، ع.ا. (۱۴۰۰). *تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها*. قم: دفتر نشر معارف.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۸۶). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
- سبحانی، ح. (۱۳۹۳). *جست‌وجوی آمایش پیشرفت در بنیان‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- طریحی، ف. (۱۳۶۲). *مجمع‌البحرین*. تحقیق: سید احمد الحسینی. تهران: مرتضوی.
- غلامی، ر. (۱۳۹۶). *فلسفه تمدن نوین اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). *تدوین: بهرام تاجانی*. تهران: اندیشه عصر.
- قوام، ع. (۱۳۸۹). *چالش‌های توسعه سیاسی*. تهران: قومس.

- کاستلز، م. (۱۳۸۰). قدرت هویت. مترجم: حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کینگ، آ.د. (۱۳۹۵). فرهنگ، جهانی شدن و نظام جهانی. مترجم: سید رضا صالحی امیری و مسعود نیازمند. تهران: چشمه.
- میرباقری، م. (۱۳۹۸). عصر جدید: خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم. قم: تمدن نوین اسلامی.
- منوچهری، ع. (۱۳۹۰). رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سمت.
- نبوی، ع. (۱۳۹۳). جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- وحدت، ف. (۱۳۹۵). رویارویی فکری ایران با مدرنیت. مترجم: مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.
- همایون، م.ه. (۱۳۹۸). چهل ستون تمدن: مبانی حکمی و مهدوی تمدن نوین اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

مقالات

- اکبری، ا.، رسولی، م.، عبدالحسین‌زاده، م.، عبدالحمید، م.، و همت‌آبادی، ح. (۱۴۰۲). شناسایی و دسته‌بندی ابزارهای نرم در نظام حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، د ۱۳، ش ۴۹، ۲ - ۳۲.
Doi:org/10.22034/sspp.2024.2012040.3491.
- ابوالقاضی، س. (۱۳۹۴). تمدن‌سازی نوین اسلامی؛ باید‌ها و نبایدها. اندیشه تمدنی/اسلام، س ۱، ش ۱، ۱۲۸ - ۱۳۹.
- باباجانی، ج. (۱۳۹۷). تحول در نظام حسابداری بخش عمومی؛ فهم متفاوت از یک پدیده. حسابرس، ش ۹۵، ۶۶ - ۸۰.
- اکرمی‌نیا، م. (۱۳۹۸). بیانیه گام دوم در قاب راهبردی. درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۲۱ - ۵۹.
- پارسانیا، ح. (۱۳۹۱). توسعه اسلامی و مدیریت تدارکاتچی مآبانه علم. نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: پیام عدالت.

توکلی، ا. (۱۳۹۱). توسعه، سیاست، و اخلاق. نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: پیام عدالت.

صفرزاده، م.، گذر از ج.، و فراهانی، ز. (۱۴۰۰). تغییرات حسابداری و اصول فرابودجه در بخش عمومی: مروری بر مفاهیم و ادبیات با تأکید بر ایزومورفیسم نهادی. حسابداری و بودجه‌ریزی بخش عمومی، س ۲، ش ۴، ۳۹-۶۳.

طالبی، ا. (۱۳۷۸). تجددگرایی، سنت‌گرایی، و احیاگری (نقدی بر الگوهای فکری مسلط و مروری بر جنبه‌های احیاگرانه اندیشه امام خمینی^(ره)). مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی(ره) و احیای تفکر دینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

عالمی‌نسی، م. (۱۴۰۰). رویکرد ماریچج تکاملی به تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ آسیب‌شناسی رویکردهای موجود و پیشنهاد رویکرد جایگزین. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، د ۱۱، ش ۴۰، ۲۵۲-۲۷۶.

عبدالملکی، ه.، نظامی‌پور، ق.، و عشایری، ط. (۱۳۹۷). نظریه گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، د ۱، ش ۱، ۱۱۵-۱۵۱.

مصباحی‌مقدم، غ. (۱۳۹۱). گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: پیام عدالت.

میرمحمدی، م. و حسن‌پور، ا. (۱۳۹۰). نظام اداری ایران: تحلیلی بر مشکلات و چالش‌ها. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۸، ۹-۲۲.

سایت

خامنه‌ای، ع. (۱۳۶۸[الف]). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم. برگرفته از سایت رسمی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۶۸[ب]). بیانات در دیدار وزیر، مسئولان وزارت امور خارجه، و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور. برگرفته از سایت رسمی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۷۰). بیانات در جمعی از مهمانان خارجی. برگرفته از سایت رسمی حضرت

آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۷۳). بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی. برگرفته از سایت

رسمی حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۷۴[الف]). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. برگرفته از

سایت رسمی حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۷۴[ب]). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. برگرفته از سایت رسمی حضرت

آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۷۷). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. برگرفته از سایت رسمی حضرت

آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۹۰[الف]). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه. برگرفته از سایت رسمی

حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۹۰[ب]). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از سایت رسمی

حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۹۴). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی،

برگرفته از سایت رسمی حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. برگرفته از سایت رسمی

حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ (۱۴۰۳). بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی.

برگرفته از سایت رسمی حضرت آیت الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

سعیدی، م. (۱۴۰۳). تله ایزومورفیسم پیش روی ایران: مسئله‌ای که مانع توسعه می‌شود. کد

خبر: ۲۰۲۵۳۱۰. برگرفته از سایت سیاست دیپلماسی ایرانی: <https://irdiplomacy.ir/fa/news>

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۳). پویایی‌شناسی نظام اداری در ایران. کد

خبر: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۲۰۱۸۷، دفتر مطالعات اجتماعی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷[الف]). تقدم اصلاح بوروکراسی و حاکمیت

قانون بر دموکراسی: معرفی و نقد کتاب *نظم و زوال سیاسی*، اثر فرانسیس فوکویاما. کد خبر:

۲۲۰، شماره مسلسل ۱۶۰۲۵، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) [ب]. چگونه بوروکراسی ناکارآمد مانع اجرای قانون می‌شود؟. کد خبر: ۲۲۰، شماره مسلسل: ۱۶۰۶۸، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.

References

Book

Akuchakian, A. (2014). Rereading rationality aimed at making progress(engineering theology in the realization of a meta-paradigm),Tehran: Model of Progress(the Iranian Islamic Model of Progress Center). [in Persian]

Ahmadi Kelisani, M. (2024). The potential of Hikmat Sadra'i in creating a new Islamic civilization and the obstacles to its creation, Tehran: Nasle Roshan.

Babai, H. (2014). Theoretical Explorations in Theology and Civilization, Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture. (in Persian)

Borujerdi, N. (2017). a revolutionary man in the words of Imam Khamenei. Tehran: Defense pub. [In Persian]

Castells, M. (2001) The power of identity, translated by Hasan Chavoshian, Tehran, new design. [in Persian]

Haghighat, S. (2015) Methodology of Political Science, Mofid University, Qom. (in Persian)

Homayoon, M.H. (2019). Forty Pillars Of Civilization: Foundations of New Islamic Civilization based on Wisdom and Mahdawiyyah, Tehran: I.S.U. Press. (in Persian)

Jafari, A. (2008) The inefficiency of Iran's administrative structure, department of management, Tehran: Rojin. (in Persian)

Khamenei, A. (2015). The Iranian- Islamic model of progress From the perspective of the Supreme Leader of the Revolution, with the efforts of the Sadra Center for Islamic Humanities Research, Tehran: Islamic Revolution. (in Persian)

King, A. D. (2016). Culture, Globalization and the World System, Translated by S.R. Salehi Amiri and M. Niazmand, Tehran: Cheshmeh. (in Persian)

Khoshduni, M., Hoseyni Fazel, M., Zamani Mahjub, H. and KazemZadeh, H. (2023). New Islamic Civilization and Wilayat-e-Faqih, Qom: Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences. (in Persian)

Mirbagheri, M. M. (2019). The New Era: a Reading of the Concepts and Strategies of the Statement of the Second Step. Qom: Modern Islamic Civilization pub. (in Persian)

Manoochchri, A. (2011) Approach and Method in Political Science, Tehran:

Samt. (in Persian)

Nabawi, A. (2013) the position of the foundations and strategies of social justice in the Iranian- Islamic model of progress, Tehran: center of the Iranian- Islamic model of progress. (in Persian)

Qavaam, A. (2008) Challenges of political development, Tehran: Qom. (in Persian)

Qolami, R. (2017) Philosophy of Modern Islamic Civilization, Tehran: Suoreh Mehr. (in Persian)

Robertson, R. (2014) Globalization of social theories and world culture, translated by Kamal Poladi, Tehran III. (in Persian)

Rajabi, A.A. (2021). New Islamic Civilization: Challenges and Strategies, Qom: Nashr Maaref. [in Persian]

Sobhani, H. (2013) Searching progress in the foundation of the republic's constitution of Islamic- Iranian model of progress. (in Persian)

Sariolghalam, M. (2007). Rationality and the Future of Iran's Development, Tehran: Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies.

Tarihi, F. (1983) Al-Bahrain assembly, research by S. A. Al-Husseini, Tehran: Mortazavi pub. (in Persian)

The constitution of the Islamic Republic of Iran (2008) compiled by Bahram Tajani, Tehran: Andishe Asr. (in Persian)

Vahdat, F. (2016) Iran's Intellectual Confrontation with Modernity, translated by Mehdi Haqikatkhah, Tehran, Phoenix. (in Persian)

Articles

Ahmadi A. (2017). Conceptual explanation of Shia geopolitics, presenting a new definition, *International Quarterly of Geopolitics* 14(49), PP. 58-81

Doi:20.1001.1.17354331.1397.14.49.3.9. [In Persian]

Akbari, A., Rasouli, M., Abdul- Hosseinzade, M., Abdul-Hamid, M., and Hemmatabadi, H. (2023) Identifying and presenting the classification of soft instrument in the governance & policy making system, *strategic studies of public policy*, 13 (49), pp. 2-32.

Alami nisi, M. (2021) Evolutionary spiral approach to realizing the Iranian-Islamic model of progress; examining the disadvantages of the existing approaches and proposal of an alternative approach. *Strategic studies of general policy- making*, 11(40), pp. 252-276.[In Persian]

Abolghadi, S. (2015). modern Islamic Civilization; Do's and Don'ts, *Islamic Civilizational Thought*, 1(1), PP. 128-139. (in Persian)

Abdolmaleki, H., Nezamipour, Q. and Ashayeri, T. (2018). Theory of Civilization Transition as a Strategy for the Realization of the New Islamic Civilization with Emphasis on Islamic Awakening, *New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 1(1), PP. 115-151.

- Babajani, J. (2017) Transformation in the Accounting System of the Public Sector; a Different Understanding of a Phenomenon, *Hesabres*, 95, pp. 66-80. (in Persian)
- Barnett, W. P.; Xiao, X. & Zhou, Y. (2021). *Competitive Exclusion versus Mimetic Isomorphism: An Identified Empirical Test*, sociological science, Vol.8, PP.211-229, Doi: 10.15195/v8.a11.
- Dua, G. & Inder, S. (2022). *Mimetic Isomorphism: A Tool For Organizational Legitimacy*, The management Accountant, November, PP.79-82.
- Dimaggio, P. J. & Powell, W. W.(1983). *The Iron Cage Revisited: Institutional Isomorphism and Collective Rationality in Organizational Fields*, American Sociological Review 48(2), 147–160, Doi:10.2307/2095101.
- Mesbahimoghaddam, Q. (2012) A step towards compiling the Iranian-Islamic model of progress [in the meeting of strategic thoughts of the Iranian- Islamic model. Tehran: PAYam Edaalat.[In Persian]
- Mir Mohammadi, M. & Hassanpour, A. (2011) Iran's administrative system; an analysis of problems and challenges. *Public management perspective*, 8, pp. 9-12. [In Persian]
- Poulson, S. C. & Campbell, C. (2010). *Isomorphism, Institutional Parochialism, and the Sociology of Religion*, Springer Science Business Media, PP.1-17, Doi: 10.1007/s12108-010-9085-y.
- Parsa Nia, H. (2010). Islamic progress and procurement management of science [in the meeting of strategic ideas of the Iranian- Islamic model of progress. Tehran: the message of justice pub. (in Persian)
- Safarzade, M., Gazderazi, J., and Farahani, Z. (2021) Changes in accounting and extra-budgetary principles in the general sector; a review of concepts and literature with an emphasis on institutional isomorphism, *accounting and budgeting in the general sector*, 2(4), pp. 39-63. (in Persian)
- Tavakkoli, A. (2011) Development, politics, and ethics [in the meeting of strategic ideas of the Iranian- Islamic model of progress], Tehran: Payam Edalat. (in Persian)
- Talebi, A. (1997) Modernism, traditionalism, and revivalism [criticism on dominant intellectual models, and an overview of Imam Khamenei's revivalist thoughts; a collection of papers on Imam Khomeini's international congress, and revival of religious thought. Tehran: institute of publishing Imam Khomeini's works. (in Persian)

Websites

- Khamenei, Seyyed Ali (2018) The statement of the second step of the revolution addressed to the people of Iran, from the official website of

- Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2015) Statements at the meeting between regime officials and guests of the Islamic Unity Conference, from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2011) Statements at the meeting of Kermanshah students, from the official website of Ayatollah Khamenei (<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2011) statements in Tehran Friday prayer sermons, from the official website of Ayatollah Khamenei (<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2003) Statements in Tehran's Friday prayer sermons, from the official website of Ayatollah Khamenei (<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2003) message to the Great Hajj Congress" from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2000) statements made in a group meeting of seminary elites, from the official website of the Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1998) statements of regime agents, from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1998) Statements in a group meeting of clerics" taken from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1995) Statements in the meeting of the President and the members of the government delegation, from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1995) statements in Friday prayer sermons taken from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1994) statements made during the visit of pilgrims and those nearby the holy shrine of Razavi, from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1993) statements in the foreign jurisprudence classroom" , from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali, (1991) Statements in a group of foreign guests, from the official website of Ayatollah Khamenei(<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1991) statements in a group meeting of IRGC commanders from the Ayatollah Khamenei's official website(<https://farsi.khamenei.ir>).

farsi.khamenei.ir). (in Persian)

Khamenei, Seyyed Ali (1990) statements in the meeting of the commanders and a group of guards of the Islamic Revolution Committees, from (<https://farsi.khamenei.ir>): the official website of Ayatollah Khamenei. (in Persian)

Khamenei, Seyyed Ali (1989), statements in the meeting of the Minister of Defense and a group of commanders and employees of the three forces of the army. (<https://farsi.khamenei.ir>) from the official website of Ayatollah Khamenei. (in Persian)

Khamenei, Seyyed Ali (1989) Statements in the meeting of the minister, the officials of the Ministry of Foreign Affairs and the heads of the representatives of the Islamic Republic of Iran abroad" taken from the official website of Ayatollah Khamenei (<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)

Khamenei, Seyyed Ali (1983) statements in the Basijis meeting, from the official website of Ayatollah Khamenei (<https://farsi.khamenei.ir>). (in Persian)

Islamic Council Research center (2024). Dynamics of the Bureaucracy in Iran, Code: 210, serial number:20187, Social Studies Office. (in Persian)

Islamic Council Research center (2018 (a)) Priority of bureaucracy reform and the dominance of law over democracy; introducing and criticizing the book political order and decay by Francis Fukuyama, Code: 220, serial number:16025, Vice president of economic research. (in Persian)

Islamic Council Research Center (2018 (b)) How inefficient bureaucracy hinders the implementation of the law? Code: 220, serial number:16068. Vice president of economic research. (in Persian)

Saidi, M. (2024) “ the Trap of isomorphism facing Iran: a problem that hinders development”. News code: 2025310, from Iran’s diplomacy policy, (<https://irdiplomacy.ir/fa/news>). (in Persian)